**باسمه تعالی**

[ثمرات نزاع در وجود وقت مختص 1](#_Toc469918760)

[فرع أول 1](#_Toc469918761)

[احتمالات در معنای تعلیل در صحیحه زراره 2](#_Toc469918762)

[احتمال أول 2](#_Toc469918763)

[احتمال دوم 2](#_Toc469918764)

[احتمال سوم 3](#_Toc469918765)

[ثمره این سه احتمال 3](#_Toc469918766)

[نظر استاد در مورد احتمالات 4](#_Toc469918767)

[فرع دوم 4](#_Toc469918768)

[فرع سوم 4](#_Toc469918769)

[مناقشه مرحوم خویی 5](#_Toc469918770)

[جواب 6](#_Toc469918771)

[مناقشه استاد 6](#_Toc469918772)

**موضوع**: کتاب الصلاۀ/أوقات نماز های یومیه /وقت مختص و مشترک/ثمرات و فروع بحث

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ثمرات نزاع در وجود وقت مختص

بحث در فروعی بود که ثمره نزاع بین نظر مشهور (که قائل به وقت مختصِ ظهر و عصر اند) و بین نظر مخالف مشهور بود.

## فرع أول

کسی در وقت مختصِ ظهر اشتباهاً نماز عصر را بخواند که بنا بر قول به وقت مختص این نماز به عنوان نماز عصر قطعاً صحیح نیست و بحث در این بود؛ که آیا أخبار عدول شامل این فرض می شود تا به عنوان نماز ظهر، صحیح باشد یا نه؟ ما گفتیم صحیحه زراره هر چند موردش «***إِذَا نَسِيتَ الظُّهْرَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْعَصْرَ***» است که ظاهر آن این است که مختص وقت مشترک است و ظاهر آن این است که فتره ای داشته ایم که نماز ظهر را در آن فتره فراموش کردی و بعد از آن فتره متذکّر شدی. و لکن تعلیل «***فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ***» شامل وقت مختص نماز ظهر هم می شود.

### احتمالات در معنای تعلیل در صحیحه زراره

**در تعلیل«*فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ*» سه احتمال وجود دارد؛**

### احتمال أول

استظهار ما این بود که امام می فرماید: فانوها الاولی؛ نیّت کن این نماز، نماز ظهر است زیرا تکویناً آنچه به جا آوردی با آنچه قرار بود به جا بیاوری و أمر داشتی بیاوری در عدد رکعات یکسان اند و هر دو چهار رکعتی اند علّت شده که بگوییم فانوها الاولی. و العلّۀ تعمّم لذا کسی که در وقت مختصّ نماز ظهر، نماز عصر می خواند این تعلیل در مورد او صادق است که یک نماز چهار رکعتی عصر خوانده و قرار بود نماز چهار رکعتی ظهر را به جا بیاورد که مأمور به بوده و محل برای نماز ظهر بوده است و چون هر دو چهار رکعتی اند نماز أول به نیّت نماز ظهر قرار می گیرد.

و لذا در فقره دیگر در مورد نماز عشاء خود صحیحه زراره مستقلّاً فرمود اگر در رکعت دوم بودی یا داخل رکعت سوم شدی نیّت نماز عشاء کن «***وَ إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا- وَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ رَكْعَتَيْنِ- أَوْ قُمْتَ فِي الثَّالِثَةِ فَانْوِهَا الْمَغْرِبَ***»

**نکته:** البته فتوا این است که حتّی اگر وارد رکعت چهارم شده است و هنوز رکوع نکرده است می نشیند و نیّت مغرب می کند.

و لکن ما بر أساس این روایت می گوییم اگر بعد از رکوع رکعت سوم از نماز عشاء یادش آمد احتیاط این است که این نماز را قطع کند و دوباره نماز مغرب را بخواند زیرا مفهوم صحیحه زراره اقتضاء می کند که بعد از دخول در رکوع رکعت ثالثه محل عدول از بین می رود. عبارت روایت «***رَكْعَتَيْنِ- أَوْ قُمْتَ فِي الثَّالِثَةِ***» است و اگر بنا بود قیام فی الرابعه مثل قیام فی الثالثه باشد و هنوز محلّ عدول باقی باشد ذکر***«قُمْتَ فِي الثَّالِثَةِ»*** لغو می شد.

### احتمال دوم

احتمال دوم این است که؛ چون آنچه انجام داده ای چهار رکعت است حکمش این است که شرعاً به جای چهار رکعت ظهر قبول می شود «انما هی أربع مکان أربع شرعاً- انما هی أربع فیکون شرعاً مکان أربع» چون این نمازی که خواندی چهار رکعت است شرعاً به جای چهار رکعت نماز ظهر واقع می شود و تو هم این گونه نیّت کن «فانوها الاولی». و طبق این احتمال «فانوها الاولی» به این معنا می شود که شما این نماز چهار رکعتی را به عنوان ظهر قرار بده چون شرعاً به عنوان ظهر قرار داده شده است.

ولی طبق احتمال أول «فانوها الاولی» به این معنا می شود که چون تکوینا به جای نماز ظهر چهار رکعتی نماز عصر چهار رکعتی خواندی، شرع مقدّس حکم کرده است به این که «فانوها الاولی» و تنها همین حکم، شرعی می شود. و جمله أول اخبار از واقع تکوینی است. ولی در احتمال دوم، جمله أول، بیان جعل شرعی است: چون چهار رکعت خواندی، شرعاً به جای چهار رکعت ظهر قرار می گیرد.

### احتمال سوم

«انما هی أربع مکان أربع» به این معنا است که «الأربع رکعات عصر اعتبر شرعاً أربع رکعات ظهر»

در احتمال دوم «انما هی أربع» علّت برای حکم شارع قرار داده شده است «هی مکان أربع لکونها أربع» ولی احتمال سوم «انما هی أربع» علّتِ حکم شارع نیست بلکه تمام آن حکم شارع است که «انما هی أربع مکان أربع» شارع حکم کرده است چهار رکعت عصرتو چهار رکعت است و به جای چهار رکعت ظهر واقع می شود

**تفاوت احتمال أول با احتمال دوم و سوم؛** طبق احتمال أول معنا چنین می شود که؛ چون تو به جای امتثال أمر چهار رکعتی، چهار رکعتی دیگری به جا آوردی همین که عدد رکعات مساوی است، سبب می شود که شارع حکم کند از لاحق به سابق عدول کنی.

أما طبق احتمال دوم و سوم خود «انما هی أربع مکان أربع» حکم شرعی است و مکان أربع شرعاً یعنی احتسب ظهراً الّلتی أربع رکعات

**فرق احتمال دوم با احتمال سوم:** در احتمال دوم علّت حکم را هم گفته است که چون چهار رکعت است شرعاً به جای چهار رکعت محسوب می شود. ولی طبق احتمال سوم علّت حکم را نگفته است.

### ثمره این سه احتمال

**طبق احتمال أول که استظهار ما بود؛** العلۀ تعمّم ولی تنها برای حکم ِعدول از لاحق به سابق یعنی از نماز عصر به ظهر، عمومیت ثابت می شود.

**طبق احتمال دوم**: که «انما هی أربع مکان أربع» یعنی «اعتبر الشارع هذه الصلاۀ صلاۀ ظهرلکونها أربع رکعات» که لکونها أربع رکعات علت می شود و معمّم می شود. لذا اگر نماز ظهر را سهواً دوباره بخوانی این علّت می آید و شامل عدول از سابق به لاحق هم می شود.

**ولی طبق احتمال سوم**: علّت وجود ندارد و معلوم نیست شارع کجا حکم کرده است که نماز عصر به جای نماز ظهر قرار می گیرد. و نمی دانیم اگر در وقت مختص نماز ظهر، نماز عصر را بخوانیم آیا شارع حکم کرده است که «هذا اربع مکان أربع» یا نه. این أول کلام است و معلوم نیست.

و طبق این احتمال سوم، این جمله تعلیل نیست و تنها تطبیق کبرای تعبّدیّه است؛ فانوها الاولی: این نماز عصر را به عنوان نماز ظهر حساب کن. چرا؟ زیرا این نماز تو نمازی است که شارع اعتبار کرده است هی أربع مکان أربع شرعاً. أما نماز در وقت مختص ظهر هم شارع حکم کرده است که هی أربع مکان أربع یا نه؟ معلوم نیست و شاید شارع در وقت مختص این حکم را نداشته باشد و حکم تنها برای وقت مشترک باشد.

**طبق احتمال سوم فرمایش آقای حکیم درست می شود که؛** از این روایت به دست نمی آید که در وقت مختص این حکم جاری شود. و تمسّک به «انما هی أربع مکان أربع» برای صورت اتیان نماز عصر در وقت مختص، تمسّک به خطاب در شبهه مصداقیه خطاب می شود.

احتمال سوم (که خلاف ظاهر است) منشأ می شود که تنها بر مورد روایت اقتصار کنیم زیرا هیچ تعلیلی ندارد و صرفاً حکم شارع در مورد وقت مشترک را بیان نموده است.

### نظر استاد در مورد احتمالات

به نظر ما تعلیل به أمر تعبّدی خلاف ظاهر است و ظاهرروایت تعلیل به أمر تکوینی است؛ به جای نماز ظهر اشتباهاً نماز عصر خواندی و عدد رکعات هر دو یکی است و این علّتِ حکم به عدول شده است.

**نتیجه این که:** ما احتمال أول را أظهر الاحتمالات می دانیم و به این روایت در مقام تمسّک می کنیم.

## فرع دوم

کسی که در وسعت وقت نماز ظهر را می خواند بعد معلوم می شود در وقت مختص عصر نماز ظهر را خوانده است؛

طبق قول به وقت مختصِ عصر، نماز ظهر باطل است.

## فرع سوم

کسی که خوف ضیق وقت دارد که پنج رکعت بیشتر تا آخر وقت نمانده باشد؛

**{نکته:** فقهاء می فرمایند اگر به اندازه پنج رکعت فرصت دارد نماز ظهر را می خواند بعد عصر را می خواند. ما سؤالی مطرح کردیم چرا در بحث تیمّم، خوف وقت اختیاری را ملاک تیمّم گرفته اند«اذا خاف الوقت فلیتیمّم» و لو بدانیم اگر وضو بگیریم می توانیم یک رکعت از نماز را داخل وقت درک کنیم. ولی در اینجا که روایت می گوید: «ان خاف أن تفوت العصر بدأ بالعصر» خوف وقت اضطراری را ملاک در عدم اتیان ظهر گرفته اند و فرموده اند اگر نماز عصر را می توانی ولو در وقت اضطراری درک کنی باید نماز ظهر را بخوانی و بعد عصر را بخوانی.

**شبهه این است که:** اگر ظاهر خوف فوت وقت با فوت وقت اختیاری صادق است چرا در بحث دوم این را نگفته اید و اگر خوف فوت با وقت اضطراری صادق است چرا در بحث أول، که تیمّم بدل از وضو بود، این را نگفته اید.

فعلاً نمی خواهیم جواب بدهیم و صرفاً اشکال را طرح کردیم و بعداً در فرصت مناسب جواب آن را دنبال می کنیم.}

حال فعلاً فرض مسأله را این گونه قرار می دهیم که خوف دارد که به اندازه چهار رکعت بیشتر وقت نباشد؛

که بنا به وقت مختصّ، دیگر نمی تواند نماز ظهر را بخواند چون وقت آن گذشته است و باید نماز عصر را بخواند.

ولی بنا بر قول به وقت مشترک؛ اگر ترتیب حتّی در این وقت که ضیق وقت است، لازم است اگر نماز عصر بخواند باطل است و باید نماز ظهر را بخواند. و اگر دلیل ترتیب شامل این مورد نمی شود مخیّر بین نماز ظهر و عصر است زیرا تزاحم کرده اند و هر دو مساوی اند و أهمیّت هیچ کدام ثابت نیست. و این ثمره نزاع بین وقت مختصّ و وقت مشترک می شود.

فرض این است که خوف فوت مسلّماً منجِّز است و از روایات استفاده کردیم. و أصلاً می توانید فرض بحث را علم به ضیق وقت بگیرید تا از این جهت اشکال نکنید.

### مناقشه مرحوم خویی

**مرحوم خویی فرموده است:** این ثمره را قبول نداریم زیرا ما وقت مختص را قبول نداریم و قائل به وقت مشترک ایم ولی خودِ دلیل شرطیّت ترتیب و این که نماز ظهر باید قبل از نماز عصر باشد «إلّا أنّ هذه قبل هذه»، قرینه است. وقتی می گویند نماز ظهر باید قبل از نماز عصر باشد و به آخر وقت رسیدیم؛ اگر أمر به هر دو باشد تکلیف به مالایطاق است و این که أمر به نماز ظهرثابت باشد ولی أمر به نماز عصر ساقط شود خلاف ظاهر این است که ظهر قبل از عصر است، و معنای قبل از عصر بودن این است که اگر توانستی ظهر را بخوان و اگر نتوانستی بعدی را بخوان.

#### جواب

ما این مطلب را نفهمیدیم: خود ایشان فرموده است: «إلّا أنّ هذه قبل هذه» به این معنا است که نماز عصر باید بعد از نماز ظهر باشد«هذه بعد هذه» ولی لازم نیست نماز ظهر قبل از نماز عصر باشد. و اگر نماز ظهر را بخوانی و نماز عصر را نخوانی نماز ظهر صحیح است.

و این که روایت می گوید نماز ظهر باید قبل از نماز عصر باشد که معنای آن این است که نماز عصر باید بعد باشد؛ چه ظهوری دارد که اگر وقت تنگ بود باید قبلی را رها کنی و سراغ بعدی بروی. معنایش این است که شرط صحّت نماز عصر این است که بعد از نماز ظهر بخوانی و در اینجا اگر نماز ظهر نخوانم به شرط عمل نکرده ام و نماز عصر فاقد شرط می شود.

بله این که بگوییم در ضیق وقت باید نماز ظهر بخوانی یا مخیّر بین ظهر و عصر هستی خلاف تسالم است، بحث دیگری است ولی دلیل شما تمام نیست.

### مناقشه استاد

لذا این ثمره، ثمره خوبی است اگر نص در کار نبود: که نص خاص داریم؛

در خوف ضیق وقت «یبدأ بالعصر» که در روایت حلبی است و در سند آن محمّد بن سنان است که دیروز اشتباهاً تعبیر به صحیحه حلبی کردیم و توجّه نداشتیم و غفلت کردیم و ان شاء الله در جلسه بعد راجع به محمّد بن سنان بحث می کنیم.

و راجع به خوف ضیف وقت در مورد نماز عشاء «یبدأ بالعشاء الأخره» داریم که روایت عبدالله بن سنان است و بین مغرب و عشاء، و ظهر و عصر عرفاً تفاوتی نیست.

و لذا این ثمره با توجّه به روایت تمام نیست.